



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۶/۲۱

عبدالقیوم میرزاده

کتاب

زنان

و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت سی و نهم)

منفعل بودن و ضعف زنان در برابر مصایب اجتماعی علیه خود

به ادامه یادآوری نام و کارنامه های عده از شیر زنان کشور ما که بارگران تبعیض و استبداد را بدوش کشیدند و با وصف همه محدودیت های جامعه مردسالار توانستند نمونه های بارزی از فداکاری، وقف و پویایی در راه میهن دوستی، ارتقای فرهنگ، ادب، اجتماع، سیاست و اداره را ثبت اوراق زرین تاریخ کشور ما کردند میتوان نام برد:

- زرغونه انا از زنان مدبر و با درایت تاریخ کشور ما میباشد. موصوفه مادر احمد شاه با با مؤسس و تهداب گذار افغانستان عزیز بود که در تمام امور کشوری و نظامی مشوره های سودمند به احمد شاه با با میداد و بلااثر همین مشوره های سودمند زرغونه انا بود که احمد شاه بابا در تمام امور کشور داری و اتحاد ملت بدور یک حکومت مرکزی مؤفقانه عمل کرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

- عایشه درانی دختر یعقوب علی خان توپچی باشی از رجال با نفوذ قوم درانی متولد کابل بود. موصوف متولد ۱۱۵۰ و وفات ۱۲۳۲ میباشد. عایشه درانی از شاعران بزرگ افغانستان صاحب دیوان بزرگ اشعار با داشتن ۳۰۰۰ بیت شامل قصاید غزلیات، مثنوی‌ها، مخمس و ترجیع‌بند، رباعیات و دوبیتی‌ها، و قطعات و شکواییه‌ها میباشد. او قریحه بزرگ شعری داشت و از سنین بیست سالگی تا آخر عمرش شعر بسیار بلند به سبک شعرای نامدار کشور و منطقه سرود.

- میرمن عینواز زنان نامدار روستائی قندهار است. مرحوم رشاد، در باره او چنین روایت میکند: دریک منزلی راهی که از قندهار بسوی کابل می‌رود، کاریزی وجود دارد که بنام «کاریز عینو» یاد میشود. «عینو» نام یک زن افغان روستائی است که احمدشاه بابا کاریزمذکور را به عنوان چادر برایش بخشیده بود. پوهاند رشاد در این باره میگوید شوهر میرمن عینو جز لشکر احمد شاه بابا بود که بعد از برگشت یک مسافرت جنگی در یک منزلی شهر قندهار در حوالی همین کاریز عینو متوقف و به استراحت میپرداخت. چون خانه این سرباز در نزدیکی محل استراحت قوا بود بناً به منزلش رفته است ولی خانمش با وصف آنکه از دیدار شوهرش بعد از جنگ بسیار خرسند شده بود اما بعد از دانستن اینکه او هنوز هم باید بوظیفه اش میبوده است او را دو باره به قطعه مربوطه اش بر میگرداند. احمد شاه بابا با شنیدن این قضیه همین کاریز را به این خانم به پاس دسپلین و وطن دوستی اش به عنوان چادر تحفه میدهد.

- میرمن سپینه یا سپین ادی دختر نورمحمدالکوزی، معاصر یار محمدخان الکوزی حاکم هرات در نیمه اول قرن ۱۹ بود. در سال ۱۸۳۷م که ایرانیان بر هرات حمله کردند و آنرا تحت محاصره درآوردند، این زن با احساس صحنه های نبرد و مبارزه افغانها برای دفاع از هرات را در اشعار حماسی خود به تصویر کشیده است. احساس عالی وطن دوستی و توانائی او را در اشعارش که بیانگر ید طولای وی در شعر و ادب حماسی میباشند تبارز میدهد.

- غازی ادی که نام اصلی اش بی بی الماس است، شوهرش حبیب اکا از اقوام سلیمان خیل کتواز میباشد. در بعضی روایات آمده است که غازی ادی باشنده اصلی لوگر بود و بعداً در کابل مسکن گزین گردیده است. غازی ادی در جنگ های چهار آسیاب، قلعه قاضی، کوه قروغ، و سنگ نبشته اشتراک داشت، وی در کوه آسمایی با ۴۰۰ چهار صد زن بر ضد انگلیس ها میرزمیده، در جنگ سنگ نبشته قومانده جنگ را بدست داشت، و در دامنه های کوه آسمایی با هشتاد تن از زنان مجاهد توسط انگلیس ها به شهادت رسید و در کارته پروان کابل دفن گردیده است. زیارت وی تا امروز کنار سرک بین کارته پروان و سرک دوم کارته پروان وجود دارد. که این مقبره توسط امیر امان الله با سنگ مرمر فرش و مزین گردید تا خاطره تابناک این شیر زن تاریخ آزادیخواهانه کشور ما ماندگار بماند. همچنان از این زن قهرمان روایت است که در جهاد ملی کشور علیه انگلیس در سال ۱۸۷۸ م با شتارت و مهارت فراوان رزمی میرزمیده و در این جنگ سخت متوجه میشود که پرچمدار شهید شده و موصوف از افتادن پرچم به زمین جلوگیری و خود پرچم داد خواهانه و آزادیخواهانه را بر افراشته نگه میدارد. همچنان برای مبارزین ضد انگلیس باروت و مرمی می‌رساند و در شمشیر زنی و تیراندازی ماهر بود و گفته شده که هنگام حرکت لشکر غازیان او برای لشکر سروه های ملی میخواند و بدینگونه احساسات ملی و دفاعی آنان را به خروش میآورد و سرگروه سایر مبارزین زن بود و غازیان بوسیله راهنمایی های او پیروزی های زیادی بدست آوردند.

- ملالی یکی از قهرمان زنان تاریخ افغانستان میباشد. در جنگ میوند علیه انگلیس زیر رهبری غازی محمد ایوب خان زمانیکه جنگ با شدت جریان داشت بنابر طوالت جنگ و تلفات نیرو های

خودی روحیه جنگی در میان سربازان روز تا روز ضعیف تر میشد و آذوقه و مهمات جنگی نیز رو به کاهش بود، ملالی که در آن زمان هفده سال داشت و مسکونه منطقه میوند بود با یک گروپ دختران همراه شده و وارد میدان جنگ شدند. این دختران قهرمان زیر رهبری ملالی برای سربازان آب، نان و مرمی میرساندند و زخمی ها را تداوی و پرستاری میکردند. ملالی که در عین زمان قریحه شعری هم داشت اشعار حماسی برای همزمانش میسرود و در این جنگ زنان توانستند روحیه بزرگ استقامت و و پایداری برای آزادی به همه سربازان بدهند و جنگ میوند به این ترتیب به نفع افغانان خاتمه پیدا کرد و انگلیس با تمام ساز و برگ مدرن جنگی اش به عقب نشینی مجبور ساخته شد انگلیسها نه تنها در این جنگ عقب نشینی کردند بلکه به تخلیه کامل افغانستان پرداختند. به قرار روایتی در همان روز عقب نشینی قوای دشمن ملالی جام شهادت نوشید و نام خود را در تاریخ مبارزات آزادیخواهان و دادخواهان کشور ثبت کرد.

- مخفی بدخشی (۱۸۷۶ - ۱۹۵۳) از شاعران بزرگ ادب دری بوده نامش سید نسب و یا سید نسب بیگم از تبار بدخشانیان بوده که نیاکانش از امیران محلی بدخشان بودند و خانواده اش در روزگار پادشاهی امیر عبدالرحمن خان از بدخشان به قندهار تبعید شدند بود و در کابل و قندهار میزسته است. مخفی بدخشی دانش و معلومات عمومی را به گونه مخفی و بدور از نظر سیاسیون وقت از بزرگان و آگاهان خانواده خویش فرا گرفت. وی در شانزده سالگی به سرودن شعر آغاز کرد. مخفی بدخشی از عالمان و شاعران دوره خود بوده است و در مراحل سخت زنده گی فراگرفتن علوم دینی و ادبی را ادامه داد و دارای قدرت بیان و استعداد ادبی خاصی در شعر گفتن بوده است که اشعار او آخر زنده گی او انباشته از اندرزه های زیبا و سودمند است.

- خانم حلیمه مشهور به ببو جانی یا بوبو جان دختر عتیق الله خان و نواسه امیر دوست محمد خان میباشد. بنابر زیبایی بینظیرش با امیر عبدالرحمن خان ازدواج کرد و بنابر ذکاوت، تدبیر، آگاهی و دانایی اش از زنان بسیار با منزلت و قابل احترام امیر عبدالرحمن خان بود. او در بسیاری موارد به عبدالرحمن خان در امور مملکت داری و سیاست مشوره های بسیار سودمند میداد که در بخشهای قبلی ذکری از کارنامه هایشان بعمل آمده است.

- امنه فدوی او در سال ۱۸۹۷ میلادی در کابل بدنیا آمد. موصوف یک شاعر و عالم و نویسنده بسیار توانا بوده است. اشعار وی آرامش بخش و انباشته از صنایع ادبی است. او همچنان نثر بسیار عالی ادبی مینوشت و بسیاری از همدوره هایش از نثر بسیار روانش بهره میجستند.

- مستوره غوری دختر میر سید اعظم غوری که نام اصلی اش حور النساء میباشد در سال ۱۸۳۲ میلادی در قریه پرچمن ولایت غور متولد گشته است. او را همچنان بی بی سفید پوش میگفتند. مستوره غوری یکی از زنان سخن سرای قرن ۱۳ هجری است که دیوان کاملی به نام (تحفة العاشقین و مفرح المسلمین) از خود به جای گذارده است. این دیوان نزدیک به ۳۵۰۰ بیت را در برمیگیرد. اشعار آن خیلی پخته و آراسته با قوانین شعری بوده است. مستوره غوری شعر بسیار بلند میسروده و در اشعارش انزجار و نفرت از وضعیت حاکم آن زمان و گله مندی از اطرافیان احساس میگردد. احتمالاً او نیز یکی از قربانیان مانند رابعه بلخی بوده است. او نیز در بهاران جوانی در سال ۱۸۷۵ میلادی احتمالاً به قتل رسیده است اما سندی مبنی بر قتلش در تاریخ به مشاهده نمیرسد.

- لوی ادی دختر کلان پائنده خان بارکزائی و مادر وزیر فتح خان بود ، این زن بر علاوه تربیت فرزندان شجاع و دلاور ، زن مدبر و سیاست دادن بود . در شجاعت، دلیری و دستگیری از ناتوانان شهرت فراوان داشت ، همه مردم با او ارادت خاص داشتند و محبوب القلوب همگان بود . لهذا مردم همچنانکه به احمد شاه درانی لقب « بابا » و به زرغونه و نازو لقب « انا » دادند ، به این زن مدبر و کاردان نیز لقب « لویه ادی » را دادند. کاردانی و تدبیر وی باعث گردید که سلسله محمدزایی ها در افغانستان صاحب اقتدار شدند. او هم مشاور بود و هم مربی بسیار با دانش. کار از موده در امور کشوری و حکومتی.

- میرمن خجو خانم با درایت امیر دوست محمد خان و مادر وزیر اکبر خان است به گمان اغلب در سالهای ۱۷۹۰ - ۱۷۹۵ تولد شده و اسم اصلی وی خدیجه میباشد. او در ایام پناهنده گی پسرش در بخارا برضد قوای انگلیسی میرزمید. او به پسرش پیام فرستاد تا به کشور بر گشته و وطن و مردمش را از چنگ انگلیس وارهاند. او مشاور آگاه امور امیر دوست محمد خان بود. او در تمامی تحولات و امور دورانش نقش بسیار ارزشمند داشت. افکار آزادی خواهانه و اصلاحی وی در شکست انگلیسی ها رول بسزایی بازی کرد.

- مادر مدد خان که خواهر امیر دوست محمد خان و خانم عبدالرحیم خان، که در تاریخ مشهور به مادر مددخان میباشد و از اسم اصلی وی ذکری نشده است . در زمان تجاوز انگلیس به افغانستان قرآن را در بغل گرفته خانه بخانه رؤسای با رسوخ کابل، کوهستان و پروان گشته و در مقابل مردم چادر می افکند و آنها را به قرآن سوگند میداد و برای مقابله با انگلیس و راندن آنها از کشور تحریک میکرد. پایان قسمت سی و نهم (ادامه دارد)